

# ابره‌های تهی:

## فقر ساختار و محتوا در کتاب‌های روش تحقیق

چکیده: با توجه به هدف از نگارش کتاب‌های روش تحقیق، انتظار می‌رود که این گونه کتاب‌ها، اصول گردآوری، نگارش و ثبت داده‌ها، سامان‌دهی بحث، شیوه ارجاع، و تدوین کتاب‌نامه را رعایت کنند و اخلاق پژوهش را بیاموزند. اما مرور آثاری که به نام «روش تحقیق» در زبان فارسی منتشر می‌شود، این انتظار را برآورده نمی‌سازد. نویسنده نوشتار حاضر را با هدف بررسی کتاب‌های تألیف شده به زبان فارسی درباره روش تحقیق به رشته تحریر درآورده است. وی در پی پاسخ به این پرسش است که این گونه آثار تا چه حد پاسخگوی نیازها و راهنمای کار دانشجویان است؟ علاوه، اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق به زبان فارسی چه جایگاهی دارد؟ نویسنده در راستای این هدف، ابتدا پس از ارائه مقدماتی پیرامون گروه‌بندی کتاب‌های منتشر شده در عرصه روش پژوهش، معیارهای ارزیابی این کتب را برشمرده و هر یک را با ارائه شاهد مثال‌هایی از کتب مورد بررسی، به طور مبسوط تشریح می‌نماید. وی با بررسی ۷۰ کتاب روش تحقیق به این نتیجه دست یافته که عمده کتب، فاقد ساختاری منظم، کتابنامه‌ای مناسب، ارجاعات لازم، انسجام مباحث و منابع مرتبط، معتبر و روزآمد هستند. افزون بر آن، برخی از آن‌ها نام‌هایی گمراه‌کننده دارند و سرانجام آن‌ها که با دست زدن به انتحال و بی‌توجهی به یافته‌های دیگران، به جای ترویج عرصه تحقیق و کمک به گستردن آفاق دانش خود مانعی بر سر راه آن به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق پژوهش، آیین پژوهش، روش تحقیق، ساختار کتاب‌های روش تحقیق، محتوای کتاب‌های روش تحقیق.

### ۱. درآمد

نظام آموزش دانشگاهی و اخیراً حوزوی، براساس پژوهش و ارائه گزارش مکتوب آن استوار است. بدین معنا که ارائه پژوهشی مکتوب، در قالب رساله و در مواردی نشر آن، در قالب مقاله علمی - پژوهشی، معیار توانایی علمی و شاخص احراز فراغت از تحصیل یا کسب رتبه علمی قلمداد می‌شود. اما پژوهشگری سرشت خاصی دارد که با گردآوری و حفظ معلومات و پاسخ دادن به پرسش‌های متفاوت کتبی و شفاهی فرق می‌کند. به همین سبب بیشتر دانشجویان و دانش پژوهان، روند و مسیر پژوهش را نیک نمی‌شناسند و نیازمند کمک هستند. در پی برآوردن این نیاز، واحدهایی به نام روش تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی ارائه می‌شود که در آن، علی‌المبنی، اصول پژوهشگری آموخته و از دانشجو خواسته می‌شود آنها را در فرآیند پژوهش خود به کار گیرد.

ضرورت پژوهشگری و چنین درسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، بازاری برای نشر کتاب‌هایی با موضوع روش تحقیق پدید آورده است. اینک حدود شش دهه است که در کشور ما آثاری در قالب کتاب و مقاله، درباره

روش پژوهش منتشر و ظاهراً در آنها آیین پژوهیدن تعلیم داده می‌شود. همچنین شاهد کتاب‌شناسی این آثار هستیم که در شکل کتاب و مقاله منتشر شده است. یافته‌های این آثار نشان می‌دهد که دست‌کم هفتاد و دست بالا نزدیک به دویست عنوان کتاب و مقاله تألیفی درباره روش تحقیق در زبان فارسی وجود دارد. برای مثال، محمدعلی رونق در کتاب‌شناسی خود، مشخصات ۷۶ کتاب و مقاله، اعم از تألیف و ترجمه و چاپ شده و به صورت پلی‌کپی را نام می‌برد.<sup>۱</sup> محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح در «کتاب‌شناسی نگارش و ویرایش و روش تحقیق» که در پیوست کتاب خود آورده‌اند، ۱۴۶ منبع، اعم از کتاب و مقاله و تألیف و ترجمه و چاپ شده و به صورت جزوه پلی‌کپی معرفی می‌کنند که به طور مشخص ۴۷ عنوان از آنها به روش تحقیق تعلق دارد.<sup>۲</sup> داود اصغرپور در «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم

۱. کتاب‌شناسی روش تحقیق؛ نشر دانش؛ سال پنجم، شماره ۲، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۶۴، ص ۶۰-۶۲.

۲. راهنمای نگارش و ویرایش؛ ویراست دوم، آستان قدس رضوی؛ مشهد، ۱۳۶۸، ص ۱۷۳-۱۸۹.

درباره روش تحقیق است، نگارنده ناگزیر شده است که در عین استفاده از این کتاب‌شناسی‌ها خود را محدود به آنها نکند و مستقلاً به جستجو و بررسی آثار موجود در زبان فارسی بپردازد.

پرسش اصلی این مقاله آن است که این آثار منتشر شده درباره روش تحقیق تا چه حد پاسخگوی نیازهای دانشجویان یا دانش‌پژوهان است و تا چه میزان راهنمای کارشان می‌تواند باشد. اما پاسخ به این خود نیازمند پاسخ به پرسش دیگری است.

## ۲. ایده و محدوده بحث

بیش از دو دهه است که با کتاب‌های روش تحقیق فارسی، عربی و انگلیسی دمحورم. به اقتضای کارم و به سبب آنکه سال‌ها روش تحقیق درس می‌دادم، همواره در پی کتاب‌هایی بودم که در این حوزه منتشر می‌شد. آنها را بررسی می‌کردم، می‌خواندم و در ساختار و محتوای آنها تأمل می‌کردم. پس از مدتی متوجه شدم که اخلاق پژوهش در این‌گونه کتاب‌ها به شکل مناسبی پیش کشیده نشده است یا اصولاً خبری از آنها نیست. این مسئله من را به این اندیشه راه برد که منزلت و جایگاه اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق را که به زبان فارسی منتشر می‌شود، بررسی و تحلیل کنم. حاصل این پژوهش مقاله‌ای بود که در فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی منتشر شد و مقاله حاضر نیز بسیار وامدار آن است.<sup>۹</sup>

در آن مقاله، گستره کار خود را با تفکیک آثار مختلفی که در عرصه پژوهش منتشر شده است، آغاز کردم و همین‌مینا را در این مقاله دنبال می‌کنم. نخست، آثار ترجمه شده را یکسره کنار نهادم؛ زیرا بحث من ناظر به کارکرد کتاب‌های تألیف شده به زبان فارسی است. دوم، کوشیدم انواع کتاب‌های تألیف شده را در یک طبقه‌بندی پیشنهادی بگنجانم و نشان دهم که هدفم کدام کتاب‌های روش تحقیق است. حال این تقسیم‌بندی را به اختصار در اینجا می‌آورم.

تعبیر «روش تحقیق» در زبان فارسی، شامل آثار متعدد و سطوح مختلفی می‌شود که گاه راهنم است. در نتیجه شاهد نشر آثاری هستیم که نام «روش تحقیق» برخوردار دارد؛ اما در آن نویسنده مثلاً به تحلیل پارادایم‌های تحقیقی می‌پردازد و از رهیافت‌های اثبات‌گرایی و اثبات‌ستیزی سخن می‌گوید. از این‌رو، در گام نخست سطوح متفاوت پژوهش را مشخص می‌کنم. به نظر تقسیم‌بندی پیشنهادی خانم آلیسون پیکارد مناسب باشد. وی کل پروژه تحقیق را دارای پنج سطح می‌داند که از پارادایم یا سرمشق آغاز می‌شود و به ابزار تحقیق می‌انجامد. پارادایم پژوهش عبارت است از جهان‌نگری محقق که نحوه نگاه او را به مسائل تعیین می‌کند؛ مانند پارادایم پوزیتیویستی

انسانی»<sup>۳</sup>، حوزه کار خود را به کتاب محدود می‌کند و در آن ۱۶۶ منبع اعم از تألیف و ترجمه را می‌آورد. یوسف ایرانی و ابوالفضل بختیاری در پیوستی به نام «کتاب‌نامه روش تحقیق»، ۳۱۲ منبع اعم از ترجمه، تألیف، کتاب و مقاله را معرفی می‌کنند که تنوع فراوانی دارند.<sup>۴</sup> البته در انتخاب این عنوان‌ها دقت کافی به کار نرفته است و آثاری چون «قواعد فهرست‌نویسی انگلو-آمریکن»<sup>۵</sup> ثبت شده است.

سرانجام آنکه زهرا مجدی ۱۸۸ کتاب را در حوزه روش تحقیق توصیف کرده است که شامل مباحث کلی روش‌شناسی و فلسفه علم می‌شود و در عین حال اعم از تألیف و ترجمه است.<sup>۶</sup> این کتاب مختصر (۹۸ صفحه)، در فصل اول آثار ناظر به «مبانی نظری فلسفی و روش‌شناسی دانش و پژوهش» را معرفی کرده و در آن مشخصات کتاب‌شناختی و مختصر مباحث ۲۹ اثر را آورده است. در فصل‌های دیگر، کتاب‌های روش تحقیق در حوزه‌های گوناگون معرفی شده است. با کنار نهادن آثار ترجمه شده و کتاب‌هایی که مشخصاً روش تحقیق به شمار نمی‌روند، ۱۰۵ کتاب فارسی در حوزه روش تحقیق برجای می‌ماند.

اما پژوهشگری سرشت خاصی دارد که با گردآوری و حفظ معلومات و پاسخ‌دادن به پرسش‌های متفاوت کتبی و شفاهی فرق می‌کند. به همین سبب بیشتر دانشجویان و دانش‌پژوهان، روند و مسیر پژوهش را نیک نمی‌شناسند و نیازمند کمک هستند.

صفحه معرفی شده است.<sup>۷</sup> همچنین کتاب‌شناسایی راه و روش علم و فلسفه یا روش رهروان در طریقت سیر و سلوک (مجید یکتایی، تهران: گوتنبرگ، [بی‌تا]) در این کتاب معرفی شده است؛<sup>۸</sup> حال آنکه عنوان کتاب به خوبی گویای محتوای آن است و منطقی‌نایست در این کتاب‌شناسی معرفی می‌شد.

نویسندگان این کتاب‌شناسی‌ها معمولاً خود را محدود به آثار تألیفی نکرده‌اند و هرآنچه را که به نحوی ناظر به حوزه پژوهش بوده، فارغ از محتوا یا زبان اصلی یا قالب نشر، در آثار خود گنجانده‌اند. اما از آنجا که هدف این مقاله تنها بررسی کتاب‌های تألیف شده به زبان فارسی

۳. فصلنامه حوزه و دانشگاه؛ سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۵۵-۱۶۸.

۴. روش تحقیق عملی (اقدام پژوهی)؛ تهران: لوح زرین، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷-۲۹۵.

۵. همان، ص ۲۷۰.

۶. کتاب‌شناسی توصیفی روش پژوهش؛ با همکاری و راهنمایی رحمت‌الله فتاحی؛ تهران: کتابدار، ۱۳۸۶.

۷. همان، ص ۴۵.

۸. همان، ص ۴۸.

۹. سیدحسین اسلامی؛ «منزلت اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق به زبان فارسی: بررسی انتقادی»؛ روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۰، ص ۸۹-۱۲۵.

پاسخ‌گویی هریک از آنها را به مسائلی چون سرشت معرفت و اعتبار آن و نحوه فراهم ساختن اطلاعات معتبر بررسی می‌کند.

گروه دوم کتاب‌هایی است که مشخصاً با هدف آشنا کردن دانشجویان با پژوهشگران با کل فرآیند پژوهش نوشته شده است. هدف نوشته حاضر صرفاً بررسی و تحلیل این قبیل آثار است.

نوع سوم از کتاب‌هایی که در عرصه تحقیق نوشته می‌شود و جزء ادبیات پژوهش به شمار می‌رود، آثاری است که برخی از تکنیک‌ها و روش‌های معین گردآوری یا تحلیل اطلاعات و داده‌ها را توضیح می‌دهند. در این قبیل کتاب‌ها، نه مبانی و بنیادهای نظری تحقیق تحلیل می‌شود و نه فرآیند کامل تحقیق معرفی می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد، بلکه تنها یک یا چند تکنیک مشخص توضیح داده می‌شود. برخی از این آثار عبارتند از: تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی،<sup>۱۵</sup> تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی<sup>۱۶</sup> و پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS.<sup>۱۷</sup>

همچنین آثاری را که به مثابه راهنمای نگارش پیشینه تحقیق نوشته می‌شود می‌توان در این گروه گنجانده؛ زیرا نویسندگان چنین آثاری هدفشان معرفی همه فرآیند پژوهش نیست، بلکه بررسی صرفاً یک بخش خرد از آن؛ یعنی مرور و تحلیل پیشینه تحقیق است. این دست آثار در فارسی اندک شمار است و شاید بهترین نمونه آن را بتوان راهنمای نگارش، مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش<sup>۱۸</sup> دانست.

چهارمین گروه عبارتند از آثاری که با تأکید بر شیوه نوشتن و آیین نگارش علمی فراهم آمده‌اند؛ همچون کتاب نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش.<sup>۱۹</sup>

سرانجام شاهد آثاری هستیم که می‌توان آنها را فرهنگ تحقیق نامید که نمونه مشخص آن کتاب فرهنگ تحقیق<sup>۲۰</sup> است. گردآورنده، پژوهنده و نگارنده این کتاب، در واقع مجموع قطعات مختلفی را که به نحوی درباره پژوهش و مسائل گوناگون آن است در این کتاب گنجانده است؛ به گونه‌ای که هر قطعه آن را می‌توان مستقل از بخش‌های دیگر کتاب خواند. ایده اصلی گردآورنده بیان سرشت پژوهش و اهمیت آن در رشد انسان و بیان صفات والای محققان است. این قطعات پراکنده ذیل محورهای متنوعی گرد آمده است: «آشنایی با مبادی تحقیق، تحقیق علمی چیست؟ محقق و پژوهشگر کیست؟»، «بار بینش شونه فرزند قیاس»، «میاسای یک دم ز آموختن»، «جانان مرا به چشم من باید دید»،

یا تفسیری. در پی آن، روش‌شناسی یا متدولوژی قرار می‌گیرد؛ مانند روش‌شناسی کمی یا کیفی. در گام سوم، روش پژوهش به معنای خاص آن قرار دارد، همچون روش کتابخانه‌ای یا پیمایشی. در چهارمین گام، با تکنیک‌های پژوهش؛ مانند مصاحبه، پرسشنامه و آزمایش سروکار داریم. سرانجام به ابزار پژوهش مانند کاغذ و دیگر وسایل می‌رسیم.<sup>۲۱</sup> البته تقسیم‌بندی‌های دیگری هم می‌توان به دست داد؛ مانند کاری که آقایان حسینی، ایمان و ماجدی در مقدمه خود بر کتاب بلیکی انجام داده‌اند و به استناد کروتی، از چهار عنصر اصلی در فرآیند تحقیق نام می‌برند؛ یعنی معرفت‌شناسی، پارادایم، روش‌شناسی و روش‌ها.<sup>۲۲</sup> از این منظر، در سطح معرفت‌شناسی برای توجیه معرفت خود می‌کوشیم و موضعی چون عینیت‌گرایی یا ذهنیت‌گرایی را انتخاب می‌کنیم. در سطح بعد، به اتخاذ دیدگاه نظری یا پارادایم تفسیری دست می‌زنیم و به سوی اثبات‌گرایی، پارادایم تفسیری و یا پارادایم انتقادی روی می‌آوریم. در سومین سطح، متناسب با دیدگاه خود روش‌شناسی مناسبی؛ مانند قوم‌نگاری، اقدام‌پژوهی و تحلیل گفتمان برمی‌گزینیم. سرانجام در چهارمین سطح، روش‌هایی چون نمونه‌گیری، پرسشنامه، مصاحبه و مطالعه موردی را به کار می‌بندیم.<sup>۲۳</sup> با این حال، در این پژوهش از همان تقسیم‌بندی پیکارد استفاده خواهیم کرد.

با در نظر گرفتن الگوی پیشنهادی پیکارد، کتاب‌های منتشر شده در عرصه روش پژوهش را می‌توان طبقه‌بندی کرد و در پنج گروه اصلی گنجانده: ۱. روش‌شناسی تحقیق به معنای خاص کلمه؛ ۲. آیین و روش تدوین پایان‌نامه و مقالات تحقیقی؛ ۳. فنون و تکنیک‌های گردآوری اطلاعات و تحلیل آنها؛ ۴. آیین نگارش علمی و راهنماهای نگارش مقالات؛ ۵. فرهنگ‌های تحقیق.

کتاب‌هایی چون بر ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی<sup>۲۴</sup> و مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی<sup>۲۵</sup> نمونه‌هایی از گروه نخست به شمار می‌روند و مشخصاً دومین کتاب، نمونه نسبتاً روشنی از این نوع آثار است. این کتاب که به مثابه کتاب درسی فراهم آمده، در پی آن است تا دانشجویان مقاطع گوناگون تحصیلی را با منطق پژوهش‌های مختلف و نگرش‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی آشنا کند. نویسنده در این کتاب خوانندگان را با پارادایم‌های علم و تحقیقات علمی شناخته شده؛ یعنی اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی مواجه می‌سازد و نحوه

10. Alison Jane Pickard, Research Methods in Information, London, Facet Publishing, 2007, p.xv-xvii.

۱۱. نورمن بلیکی؛ پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی؛ ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات سیدحمیدرضا حسینی، محمد تقی ایمان و سیدمسعود ماجدی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۳۴.

۱۲. همان، ص ۳۵.

۱۳. احمد محمدپور؛ تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۱۴. محمد تقی ایمان؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

۱۵. فرامرز رفیع‌پور؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

۱۶. کلووس کریبندورف؛ ترجمه هوشنگ ناییب؛ تهران: نی، ۱۳۸۶.

۱۷. خلیل کلانتری؛ تهران: شریف، ۱۳۸۵.

۱۸. مهزی پریخ و رحمت الله فتاحی؛ تهران: کتابدار، ۱۳۸۴.

۱۹. نعمت الله موسی‌پور و سیدحمیدرضا علوی؛ کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۵.

۲۰. سیدمحمد دامادی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، ۱۳۸۳.

را نیک بشناسد، این مسیر را رفته باشد، دست به اجرای تحقیق زده باشد، ذهنی منظم و تحلیلی داشته باشد، با چالش‌های اخلاقی عرصه پژوهش و ضوابط این عرصه آشنا باشد، از یافته‌های تازه این عرصه و آثاری که در این باب منتشر می‌شود آگاه باشد و شخصی دقیق، منصف، پرحوصله، متبوع و نکته‌بین باشد. خلاصه آنکه خود، پژوهشگری حرفه‌ای باشد. در غیر این صورت، چون ابرخشک و بی‌بارانی است که مدعی باران زایی است. اصولاً آیین پژوهشگری و روش تحقیق تنها گردآوردن مجموعه‌ای از اطلاعات نیست که بتوان آنها را طی فرآیند نظری صرف به متعلمان انتقال داد، بلکه مهارتی است که از سوی شخصی استاد و ماهر و کارآموده به نوآموزان این عرصه انتقال داده می‌شود. به همین سبب، می‌توان گفت که در عرصه پژوهش، رابطه استاد و شاگردی به سبک سنتی برقرار است و در طول آموزش، به واقع دانشجو به گونه‌ای بار می‌آید که بتواند خود دست به پژوهش نظام‌مند و مستقلاً بزند. حال با این نتیجه‌ها، می‌توان آثار موجود روش تحقیق را بررسی و در باب آنها قضاوت کرد. محورهای ارزیابی برای این کار عبارتند از:

- سلطه سرمشق پوزیتیویستی
- ناپیدایی بحث اخلاق پژوهش
- معضل انتحال
- آشفتگی ساختاری
- عنوان‌های فریبنده
- کاستی‌های کتاب‌نامه
- بی‌توجهی به ادبیات تحقیق

### ۳-۱. سلطه سرمشق پوزیتیویستی

آشکارترین ویژگی بیشتر کتاب‌های روش تحقیق در زبان فارسی، مسلم‌گرفتن تنها یک پارادایم برای فهم و پژوهش در عالم است؛ یعنی پارادایم پوزیتیویستی. در پی آن، روش متناسب با این پارادایم؛ یعنی روش کمی و محاسبات آماری و بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته ارائه و معرفی شده است. در اینجا سخن از درستی یا نادرستی این پارادایم نیست. مقصود آن است که در جهان علم و در عرصه روش‌شناسی، امروز دست‌کم سه پارادایم رقیب و بدیل داریم که هر یک با قوت مدعی تفسیر درست عالم است. به همین سبب، مسلم‌گرفتن یک پارادایم و انکار یا مسکوت گذاشتن پارادایم‌های دیگر در کتاب‌های روش تحقیق خطا است. برخی از این آثار چنان مسیر تحقیق را طراحی می‌کنند و تعلیم می‌دهند که گویی تنها یک راه برای کسب علم وجود دارد و بس: روش پوزیتیویستی. جز این روش، هر چه هست غیر علمی، افسانه‌ای و متعلق به دوران نخست رشد بشر است.

معضل سلطه پارادایم پوزیتیویستی در سطوح مختلف علمی و آموزشی و حتی برنامه‌ریزی کلان کشور، مایه نگرانی برخی از پژوهشگران شده

«بی‌نهایت حضرت است این بارگاه»، «زندگی بی‌جست و جوافسردگی است» و «آشنایی با جلوه‌هایی از سرگذشت و آثار و فداکاری‌های برخی از بزرگان تحقیق ایران و جهان». این کتاب مفصل (۵۶۹ صفحه) با آنکه سرشار از نکته‌های آموزشی و اخلاقی است، همان‌گونه که از نامش آشکار است، بیشتر فرهنگ‌واره پژوهش است، نه کتابی که به صورت گام به گام به پژوهشگران جوان یا دانشجویان بگوید چه باید بکنند.

حال با توجه به تقسیم‌بندی پیشنهادی بالا، تنها کتاب‌های تألیف‌شده به زبان فارسی را که ظاهراً همه فرآیند پژوهش را گزارش و معرفی کرده‌اند، انتخاب و بررسی کرده‌ام، با این هدف که آیا این آثار در کار خود؛ یعنی آموختن روش پژوهش موفق بوده‌اند یا خیر.

### ۳. معیارهای ارزیابی

حال، با چه سنجه‌هایی می‌توان گفت که یک کتاب روش تحقیق، کتاب خوبی است یا بد؟ در کار خود موفق است یا ناموفق؟ کارآمد است یا ناکارآمد؟ به نظر می‌رسد بتوان فارغ از ذوق فردی، به پاسخ نسبتاً مقبولی دست یافت. کتاب

روش تحقیق باید همان چیزی را به ما تعلیم دهد که مدرس و معلم روش تحقیق به شکل حضوری و شفاهی تعلیم می‌دهد؛ یعنی آنکه نخست سرشت تحقیق و فعالیت پژوهشگرانه را تعلیم دهد. در پی آن شیوه‌های اجرای تحقیق را معرفی کند و تفاوت آنها را بازگوید. در گام سوم طراحی تحقیق را آموزش دهد. سپس نحوه شناسایی منابع،

گردآوری، ارزیابی، ثبت و تحلیل داده‌ها را بیاموزد. در پی آن، نحوه نگارش گزارش تحقیق را به شکلی که در جامعه علمی مقبول و با استانداردهای آکادمیک سازگار است بیاموزد؛ مانند نحوه ارجاع‌دادن و تنظیم کتاب‌نامه. سرانجام به دانشجوی بیاموزد در مسیر تحقیق امکان لغزش‌ها و خطاهای اخلاقی متعددی وجود دارد؛ از وسوسه سرقت علمی تا جعل داده‌ها و بی‌انصافی نسبت به دیدگاه‌های رقیب تا پنهان‌کردن برخی یافته‌ها که با فرضیه اصلی پژوهش ناسازگار است. همچنین در برخی از رشته‌ها مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، اجرای پژوهش مستلزم مشارکت انسان‌های دیگری است که گاه ناخواسته در معرض آسیب قرار می‌گیرند. از این رو، دانشجوی فعلی و پژوهشگر آینده باید نسبت به این مخاطرات اخلاقی هشیار باشد و خود را برای مواجهه با آنها آماده کند.

همه اینها مستلزم آن است که معلم و مدرس خود اولاً سرشت تحقیق

تعبیر «روش تحقیق» در زبان

فارسی، شامل آثار متعدد و سطوح

مختلفی می‌شود که گاه راهن

است. در نتیجه شاهد نشر آثاری

هستیم که نام «روش تحقیق» بر

خود دارد؛ اما در آن نویسنده مثلاً

به تحلیل پارادایم‌های تحقیقی

می‌پردازد و از رهیافت‌های

اثبات‌گرایی و اثبات‌ستیزی

سخن می‌گوید.



است تا جایی که به این مسئله به شکل‌های مختلفی پرداخته‌اند. برای مثال، حسین لطف آبادی با بررسی ۷۸ مقاله روان‌شناختی که در چهارده نشریه علمی - پژوهشی کشور منتشر شده است، نتیجه می‌گیرد که نگرش پوزیتیویستی بر این مقالات مسلط است.<sup>۲۱</sup> همچنین حسین لطف آبادی و همکارانش در تحقیق گسترده دیگری به نتیجه مشابهی رسیده‌اند. آنان با بررسی شانزده منبع اصلی آموزش روش تحقیق در رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده در آخرین شماره مجله‌های مرتبط و گفتگو با استادان و دانشجویان این رشته‌ها نتیجه می‌گیرند: «بنیادهای معرفت‌شناختی و بنیادهای روش‌شناسی منابع و متون درسی روش تحقیق که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، از نوع فلسفه تحصیلی و پساتحصیلی و روش کمی‌گرایانه است».<sup>۲۲</sup> این پژوهش نشان می‌دهد که همین منطق و نتیجه بر مقالات منتشر شده و فهم دانشجویان از منش و روش تحقیق حاکم بوده است.<sup>۲۳</sup>

همچنین امید علی مسعودی در پژوهشی با بررسی بیش از صد پایان‌نامه در مقاطع ارشد و دکتری، آسیب‌های آنها را بر می‌شمارد، از جمله شاهد: «سیطره روش‌های پوزیتیویستی (تجربه‌گرا) بر ۹۹ درصد پایان‌نامه‌های علوم ارتباطات هستیم».<sup>۲۴</sup>

سرانجام آنکه سیدمحمدتقی موحدابطحی، به تحلیل دلیل جامعه‌شناختی استمرار این نگرش در جامعه علمی ما حتی در بعد از انقلاب می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که با گذر سه دهه از انقلاب اسلامی، همچنان نگرش پوزیتیویستی در عرصه تحقیق، تدریس و تألیف و برنامه‌ریزی کلان کشور مسلط است. ابعاد این نفوذ به حدی است که با تأکید بر مهارت‌های هشتگانه (طراحی تحقیق، اندازه‌گیری، محاسبه، پیش‌بینی، فرضیه‌سازی، تفسیر یافته‌ها و...) در مدارس ابتدایی، «کودکان ما از دوره ابتدایی رویکرد پوزیتیویستی را به عنوان تنها رویکرد علمی فرا می‌گیرند».<sup>۲۵</sup> نه تنها نظام آموزشی رسمی و کودکان ما مقهور چنین دیدگاهی هستند که حتی به نوشته وی، در برخی کتاب‌های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در پی تولید علم دینی است، شاهد نگرش پوزیتیویستی هستیم؛ برای مثال کتاب نظریه‌پردازی در اقتصاد

اسلامی «با رویکرد پوزیتیویستی به علم نگاه شده است».<sup>۲۶</sup> این سلطه در کتاب‌های روش تحقیق به حدی است که حتی در عرصه‌هایی که اصولاً و عمدتاً روش کیفی و تفسیری کاربرد و کارایی ندارد و کمتر کسی از روش کمی در آنها استفاده می‌کند، شاهد چیرگی این نگرش هستیم؛ برای مثال در کتاب مرجع‌شناسی ادبیات و روش تحقیق، شاهد تیرهای چون «متغیرها»، «متغیردو ارزشی»، «متغیر وابسته»، «متغیر مستقل»، «نمونه‌گیری» و انواع آن از جمله «نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک» هستیم.<sup>۲۷</sup> حال آنکه تقریباً استفاده از این روش و این سبک محاسبات در عرصه ادبیات فارسی صفر است و معلوم نیست که آمدن این مباحث چه ربطی به دانشجوی ادبیات فارسی دارد که باید مثلاً درباره تاریخ بیهقی یا مرزبان نامه تحقیقی کتابخانه‌ای انجام دهد.

یکی از نتایج نگرش پوزیتیویستی، تأکید بر جدایی بین عرصه دانش و ارزش و تفکیک قاطع بین علم و اخلاق است. این نگرش را به خوبی در کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی<sup>۲۸</sup> می‌بینیم تا جایی که از سر تأیید نقل می‌شود: «در علم جایی برای

قضایات‌های اخلاقی و ارزشی وجود ندارد. به عبارت دیگر، مسئله علمی، یک مسئله اخلاقی نیست (کرلینجر، ۱۹۸۶)».<sup>۲۹</sup>

### ۳-۲. ناپیدایی بحث اخلاق پژوهش

امروز یکی از مشکلات عرصه پژوهش، نقض اصول اخلاقی پژوهش است که به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. از جعل داده‌ها تا حذف برخی از نتایج

یا دستکاری متون کهن تا زیر پا گذاشتن حقوق معنوی مؤلفان دیگر و سرقت یافته‌های علمی آنان. برخی از این خطاها، زاده بی‌توجهی به اخلاق پژوهش است؛ اما برخی نیز به دلیل یا به بهانه بی‌خبری از اخلاق پژوهش و بایسته‌های عرصه تحقیق است. به همین سبب لازم است نویسندگان کتاب‌های روش تحقیق، در کنار آموزش مسائل تکنیکی روش تحقیق، به ضوابط اخلاق پژوهش نیز توجه کنند و شیوه رعایت آنها را به دانشجویان تعلیم دهند. با این حال، در بسیاری از کتاب‌های روش تحقیق، سخنی از اخلاق پژوهش به میان نیامده است

حال، با چه سنجه‌هایی می‌توان گفت که یک کتاب روش تحقیق، کتاب خوبی است یا بد؟ در کار خود موفق است یا ناموفق؟ کارآمد است یا ناکارآمد؟ به نظر می‌رسد بتوان فارغ از ذوق فردی، به پاسخ نسبتاً مقبولی دست یافت. کتاب روش تحقیق باید همان چیزی را به ما تعلیم دهد که مدرس و معلم روش تحقیق به شکل حضوری و شفاهی تعلیم می‌دهد.

۲۱. «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات پژوهشی در ایران»؛ حوزه و دانشگاه، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۶.

۲۲. حسین لطف آبادی، وحیده نوروزی و نرگس حسینی؛ «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران»، نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۱۰.

۲۳. همان، ص ۱۱۱.

۲۴. «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های علوم ارتباطات در ایران»؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۵۷، آذر ۱۳۹۱، ص ۲۸.

۲۵. سیدمحمدتقی موحدابطحی؛ «تحلیلی جامعه‌شناختی از علت تداوم رویکرد پوزیتیویستی به علوم انسانی در ایران و عدم شکل‌گیری علم دینی و بومی با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی ساخت و عامل»؛ فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۰۶.

۲۶. موحدابطحی؛ همان، ص ۲۱۷.

۲۷. غفور امانی؛ اردبیل؛ شیخ صفی‌الدین، ۱۳۸۱.

۲۸. علی دلاور؛ رشد؛ تهران، ۱۳۸۵.

۲۹. همان، ص ۹۵.

ارجاعی به این کتاب. برای مثال قائمی نوشته بود: «محقق دارای صبر و حوصله است، از کار و تلاش زود خسته نمی‌شود و از زیر بار انجام وظیفه تحقیق شانه خالی نمی‌کند و از صرف وقت، روزها، ماه‌ها در این راه مضایقه نمی‌نماید».<sup>۳۳</sup>

متن بالا بدون کمترین تغییری، و بی ارجاع به هیچ منبعی، در کتاب بهداروند چنین آمده است: «محقق دارای صبر و حوصله است، از کار و تلاش زود خسته نمی‌شود و از زیر بار انجام وظیفه تحقیق شانه خالی نمی‌کند و از صرف وقت، روزها، ماه‌ها در این راه مضایقه نمی‌نماید».<sup>۳۴</sup>

این درس‌نامه جدای از ضعف بنیادی در محتوا و ساختار و فقدان منابع، خود نمونه آشکار نقض اخلاق پژوهش است و می‌توان احتمال داد که دیگر بخش‌های آن نیز سرقت از نوشته‌های دیگران باشد.

باز، در روش تحقیق و مرجع‌شناسی<sup>۳۵</sup> که طی شش «بهره» یا فصل «پایه‌های فلسفی روش‌های علمی»، «روش‌های پژوهش علمی»، «روش‌های ویژه علوم اجتماعی»، «گردآوری داده‌ها»، «تجزیه و تحلیل مطالب» و «ویژگی‌های یک پژوهشنامه» بحث شده به نظر می‌رسد انتقال گسترده‌ای رخ داده است و نویسندگان بخش‌های قابل توجهی از اثر خود را بدون استناد مناسب و گاه بدون هرگونه استنادی از آثار دیگران اقتباس و رونویسی کرده است؛ برای مثال، ذیل سوتیتر «ارزش‌های مشخص» که ظاهراً منظور ارزش‌های شخصی است، گردآورنده می‌گوید که هرکسی از جمله پژوهشگر با ارزش‌هایی باری می‌آید و خود را نمی‌تواند از آنها برکنار دارد و این ارزش‌ها، «ملاک و استاندارد اخلاقی و معنوی اشخاص را معین می‌کند و قضاوت‌های روزمره ما نسبت به امور و وقایع مختلف ناشی از همین ارزش‌ها است».<sup>۳۶</sup>

این قسمت فاقد هرگونه ارجاع و استنادی است. در حالی که کل این قسمت بازنویسی و در مواردی رونویسی از کتاب مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی،<sup>۳۷</sup> است که بیش از بیست بار چاپ شده است و به سه دهه قبل تعلق دارد. برای مثال نبوی درباره این ارزش‌ها و ضرورت توجه به آن‌ها و پرهیز از آن‌ها تأکید می‌کند که ارزش‌های شخصی یا اجتماعی: «ملاک و استاندارد اخلاقی و معنوی اشخاص را معین می‌کند و قضاوت‌های روزمره ما نسبت به این امور و وقایع مختلف، ناشی از همین ارزش‌ها است».<sup>۳۸</sup>

یکی از بحث‌هایی که در چندین کتاب روش تحقیق آمده است،

و به دلایلی از جمله سلطه نیرومند نگرش پوزیتیویستی، کل فرآیند پژوهش به مثابه عرصه‌ای خنثی و جدای از اخلاق معرفی شده است. نگارنده این مسئله را به شکل مستقلی دنبال کرد و نشان داد که بخش وسیعی از کتاب‌های روش تحقیق منتشرشده به زبان فارسی، مطلقاً به اخلاق پژوهش نپرداخته‌اند و این بحث را یکسره مسکوت گذاشته‌اند. برخی نیز به شکلی گذرا به آن اشاراتی داشته‌اند. حاصل این پژوهش آن بود که از میان ۶۲ کتاب بررسی شده، ۲۳ عنوان مطلقاً سخنی از اخلاق پژوهش به میان نیاورده‌اند و باقی نیز به شکلی غیردقیق از آن بحث کرده‌اند. از این میان، تنها چهار عنوان کتاب نسبتاً به خوبی از اخلاق پژوهش بحث کرده بودند. بدین ترتیب، یک سوم کتاب‌های روش تحقیق به سادگی از کنار اخلاق پژوهش گذشته و آن را نادیده گرفته‌اند.<sup>۳۹</sup>

### ۳-۳. معضل انتقال

نه تنها شاهد فقدان بحث اخلاق پژوهش در برخی از کتاب‌های روش تحقیق هستیم، گاه شاهد نقض آشکارترین اصل اخلاق پژوهش؛ یعنی رعایت حقوق دیگر مؤلفان و خودداری از سرقت آثارشان هستیم. متأسفانه نویسندگان برخی از کتاب‌هایی که به ظاهر در پی تعلیم روش تحقیق درست و علمی و اخلاقی هستند، خود ساده‌ترین اصول اخلاقی را زیر پا گذاشته و سراغ دیگر کتاب‌های روش تحقیق رفته و بحثی را که پسندیده‌اند، بدون هیچ اشاره یا اشاره‌ای مناسب، در کتاب خود آورده‌اند؛ به گونه‌ای که خواننده بی‌خبر تصور می‌کند این بحث‌ها، زاده تأملات شخصی و حاصل تدقیقات علمی آنان بوده است. گاه ردیابی این سرقت‌های مکرر و سرقت در سرقت چنان دشوار می‌شود که به سختی می‌توان گفت که منبع اصلی و کتاب «مسروق منه» کدام بوده است. تنها از نظر زمانی می‌توان مشخص کرد که نویسنده بعدی از نویسنده قبلی سرقت کرده است. در اینجا مشخصاً نوع خاصی از سرقت را نام می‌برم که عبارت از رونویسی از آثار دیگران است؛ یعنی برخی از این نویسندگان، عین عبارات نویسندگان قبلی را رونویسی کرده و در کتاب‌های خود گنجانده‌اند. عمق این فاجعه به حدی است که نگارنده دیگر تقریباً به هیچ کتاب روش تحقیق، جز به تعداد انگشتان دست اعتماد ندارد. در اینجا صرفاً چند نمونه محدود را می‌آورم.

کتاب روش تحقیق،<sup>۴۰</sup> افزون بر آنکه یکسره فاقد منبع است، دست‌کم بخش اخلاق پژوهش آن سرقت از کتاب علی قائمی است. گردآورنده در نیم صفحه<sup>۴۱</sup> جنبه‌های اخلاقی محقق را طی پنج بند برمی‌شمارد که سه بند نخستین آن رونویسی کامل مطالب قائمی است، بدون هیچ

۳۳. علی قائمی؛ روش تحقیق با تأکید بر مکتب‌شناسی؛ ویراست دوم، تهران: امیری، ۱۳۷۲، ص ۶۰.

۳۴. محمد مهدی بهداروند؛ همان، ص ۳۲.

۳۵. مرتضی منشادی؛ بندر عباس؛ دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.

۳۶. همان، ص ۵۲.

۳۷. بهروز نبوی، کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۸۴.

۳۸. همان، ص ۵۹.

۳۹. سیدحسین اسلامی؛ «منزلت اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق به زبان فارسی؛ بررسی انتقادی».

۴۰. محمد مهدی بهداروند؛ قم؛ ناشر مؤلف، ۱۳۸۲.

۴۱. همان، ص ۳۲.

در این قسمت، پنج بند نقل شده است و تنها در پایان بند اول به متن انگلیسی کتاب فرانکفورد و نجمیاس ارجاع داده شده است.<sup>۴۶</sup> حال آنکه همه موارد و نه تنها بند اول، از آن این دو نویسنده است؛<sup>۴۷</sup> اما بحث به گونه‌ای پیش رفته است که گویی از یافته‌های مؤلف است.

همچنین جملات آغازین این قسمت، از ترجمه فارسی نقل شده است؛ اما به متن انگلیسی ارجاع داده شده است. از آن بالاتر، درست در همین قسمت، دستور اول نقض شده است. طبق دستور نخست باید جملاتی را که عیناً از دیگران نقل می‌کنیم، همیشه در میان علامت

نقل قول قرار دهیم؛ حال آنکه بدون علامت نقل قول به کار رفته و آغاز بند این‌گونه است: «چرا باید در متنی که راجع به اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی است، بخشی درباره سرقت ادبی گنجانده شود».<sup>۴۸</sup> این قسمت برگرفته از ترجمه فرانکفورد و نجمیاس به این شکل است: «چرا باید در متنی که راجع به اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی است، بخشی درباره سرقت ادبی گنجانده شود».<sup>۴۹</sup> در ادامه نیز چنین آمده است: «به خاطر داشته باشید

معضل سلطه پارادایم پوزیتیویستی  
در سطوح مختلف علمی و آموزشی  
و حتی برنامه‌ریزی کلان کشور،  
مایه نگرانی برخی از پژوهشگران  
شده است تا جایی که به این مسئله  
به شکل‌های مختلفی پرداخته‌اند.  
برای مثال، حسین لطف آبادی با  
بررسی ۷۸ مقاله روان‌شناختی که  
در چهارده نشریه علمی - پژوهشی  
کشور منتشر شده است، نتیجه  
می‌گیرد که نگرش پوزیتیویستی بر  
این مقالات مسلط است.

که با موقع‌شناسی خود در ذکر منابع، مهارت‌های پژوهشی خود را بروز می‌دهید».<sup>۵۰</sup> همین عبارت در کتاب ایران‌نژاد پاریزی به این شکل است: «به خاطر داشته باشید که شما مهارت‌های تحقیق خودتان را با دانستن اینکه چه وقت و در کجا به آن اعتبار ببخشید، نشان می‌دهید».<sup>۵۱</sup> به واقع کل نوشته فرانکفورد و نجمیاس در اینجا رونویسی و سرقت شده است، آن هم در بخش ضد سرقت کتاب بدون اشاره مناسب به منبع اصلی.

بخش «ملاحظات اخلاقی در پژوهش» در کتاب روش‌های تحقیق در مدیریت،<sup>۵۲</sup> بدون هیچ ارجاعی به منابع دیگر آمده است؛ اما این بحث با همین واژگان، ترتیب و منطق در کتاب‌های دیگر روش

۴۶. در انتهای کتاب منبع زیر با غلط‌های متعدد به این صورت آمده است:

Chave Farnkfort-Nachmais, "Research methods in the Social Sciences." (New York:

Worth Publishers, ۲۰۰۰, p. ۴۸۹.

۴۷. چاوا فرانکفورد و دیوید نجمیاس؛ روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی؛ ترجمه فاضل

لاریجانی و رضا فاضلی؛ تهران: سروش، ۱۳۸۱، ص ۷۶۴-۷۶۵.

۴۸. ایران‌نژاد پاریزی؛ همان، ص ۴۰۰.

۴۹. چاوا فرانکفورد و دیوید نجمیاس؛ همان، ص ۷۶۳.

۵۰. همان، ص ۷۶۵.

۵۱. ایران‌نژاد پاریزی؛ ص ۴۰۱.

۵۲. احمدرضا سنجرى؛ تهران: عابد، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۴۴.

ویژگی‌های تحقیق است که در آن شاهد اشاره به صفاتی چون صبرطلبی و جرأت‌طلبی شده است. نحوه طرح و نگارش این بحث گویای آن است که همه آنها از منبع واحدی نقل می‌کنند؛ اما هنوز موفق نشده‌ام ردپای نهایی آن را پیدا کنم. به نظر می‌رسد غالب ناقلان، آن را از کتاب روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)<sup>۳۹</sup> نقل می‌کنند، بی آنکه به آن ارجاع دهند؛ برای مثال، غفورامانی در مرجع‌شناسی ادبیات و روش تحقیق سه صفحه را به «ویژگی‌های تحقیق علمی» اختصاص داده است و در کنار «افزایشی بودن»، «تجربی بودن»، «نظم داشتن»، «تعمیم‌پذیری» و «منطقی و عینی بودن»، از «صبرطلبی»، «جرأت‌طلبی» و «دقت‌طلبی» در تحقیق سخن گفته است.<sup>۴۰</sup> این بخش و ترتیب، فارغ از عدم انسجام مباحث و بی‌ارتباطی محورها، برگرفته از دیگران است، بی آنکه گردآورنده هیچ اشاره‌ای به منابع خود کرده باشد. همین بحث را ابوالقاسم طاهری<sup>۴۱</sup> نیز آورده است، البته بدون استناد به جایی.

بخشی از کتاب روش مطالعه و تحقیق ویژه دانش‌آموزان و راهنمایی برای پژوهشگران جوان،<sup>۴۲</sup> با تیتراژ «رعایت اخلاق پژوهش» رونویسی از آثار دیگران است، بی آنکه نویسنده به منابع خود اشارتی کرده باشد. به واقع کل این کتاب، براساس هفت منبع فارسی فراهم آمده است؛ اما در سراسر این کتاب هیچ ارجاعی به این منابع دیده نمی‌شود. بدین ترتیب، آشکارا حق آن منابع پایمال شده و نحوه استفاده از آنها معلوم نشده است.

در کتاب روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و سایر رشته‌های ذیربط،<sup>۴۳</sup> یک صفحه به بحث «سرقت ادبی» و شیوه پرهیز از آن اختصاص یافته است. در اینجا پنج مسئله به هم پیوسته در باب انتحال به این شرح آمده است: ۱. «چنانچه در متن خودتان از کلمات مؤلف دیگر عیناً استفاده می‌کنید، همیشه از علامت نقل و قول [کذا؟] استفاده کنید»؛<sup>۴۴</sup> ۲. هنگام نقل به مضمون سخن کسی، باید منابع خود را ذکر کنید؛ ۳. نقل ایده دیگران نیز نیازمند ارجاع است؛ ۴. دانش عمومی نیازمند ارجاع نیست؛ ۵. «بهترین طریق احتراز از سرقت ادبی صادق بودن است. وقتی که تردید دارید، مأخذ را ذکر کنید. به خاطر داشته باشید که شما مهارت‌های تحقیق خودتان را با دانستن این که چه وقت و در کجا به آن اعتبار ببخشید، نشان می‌دهید».<sup>۴۵</sup>

۳۹. عزت‌الله نادری و مریم سیف نراقی؛ ویرایش پنجم، تهران: ارسباران، ۱۳۸۸.

۴۰. شیخ صفی‌الدین: اردبیل، ۱۳۸۱، ص ۸۴-۸۶.

۴۱. روش تحقیق در علوم سیاسی؛ تهران: نشر قومس، ۱۳۸۲.

۴۲. حسین ثاقبی؛ تهران: نشر قزو، ۱۳۸۱.

۴۳. ایران‌نژاد پاریزی؛ تهران: مدیران، ۱۳۸۲.

۴۴. همان، ص ۴۰۰.

۴۵. همان، ص ۴۰۱.



مباحث متفرقی هستیم، از تعریف واژه مقاله که «مصدر میمی است» تا «تنظیم حواشی کتاب» یا «سخنی کوتاه پیرامون صنعت چاپ» تا «گفتاری در شناخت روش علوم (متدولوژی)» و «انواع شعر» یا «اشاره‌ای به انواع خط» که در آن خطوط چینی، حبشی، میخی، هیروگلیفی، ژاپنی و خطوط اسلامی چون رقاع، ثلث و نسخ معرفی شده است. همچنین از آنجا که کتاب درباره روش تحقیق در ادبیات فارسی است، مؤلف منابع مرجع مختلف این عرصه را نام برده است و از شعر به شکل‌های مختلف استفاده کرده است. در آغاز این کتاب چند بیت شعر که در آن‌ها واژه پژوهش و تحقیق به کار رفته ذکر شده است که به جای حسن مطلع، خلاف آن است. نخست این دو بیت آمده است:

چنین داد پاسخ ورا نامدار که گرمن بیچم سراز شهریار  
بدین گیتی اندر نکوهش بود بدان پیش یزدان پژوهش بود

حال آنکه واژه «پژوهش» در این شعر به معنای تحقیق متعارف نیست، بلکه به معنای بازخواست است و اصولاً آوردن این شعر در آغاز کتاب جایی ندارد.

دومین شعر از حافظ و این‌گونه است:

جهان و کار و جهان جمله هیچ در هیچ است  
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

آوردن این شعر در آغاز کتاب به جای آن که مشوق پژوهشگران و دانشجویان باشد، آب پاک پوچ‌گرایی و بی‌تحریکی بردستان خواهد ریخت. در کنار این همه مباحث پراکنده و گاه زاید که در این کتاب دیده می‌شود، بحث مشخص و منسجمی درباره اخلاق پژوهش دیده نمی‌شود و با توجه به آنکه این کتاب درباره روش تحقیق در ادبیات فارسی است، شایسته بود مؤلف به انتحال که از معضلات اساسی ادبیات فارسی از روزگاران دور بوده است، اشاراتی می‌کرد و این بحث را پیش می‌کشید. واقع آن است که این کتاب که قرار است روش تحقیق بیاموزد، خود فاقد کتاب‌نامه و سامان مناسبی است.

همین معضل را در کتاب روش تحقیق در علوم سیاسی<sup>۵۶</sup> می‌توان دید که در آن مباحث متفرقی کنار هم چیده است که کمتر گره‌گشای پژوهشگران است. فصل اول کتاب به «مفاهیم و اصطلاحات» اختصاص دارد و ۷۴ صفحه است. در این فصل نکات پراکنده متعددی آمده است که چندان ارتباطی هم با هم ندارند و در واقع نوعی انباشتن اطلاعات دایرةالمعارفی در کنار یکدیگر است، نه کتابی روشمند در آموزش روش تحقیق. افزون بر آن، این نوشته از نظر نگارشی و محتوایی مشکلات جدی دارد؛ برای مثال، در بحث جرأت‌طلبی چنین آمده است: «هنگامی که کوپرنیک دانشمند لهستانی نتایج مطالعات خود را در مورد طبیعت منظومه شمسی اعلام کرد و از طرف

تحقیق از جمله کتاب شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)<sup>۵۳</sup> آمده است. آیا باید این مشابهت گسترده را نوعی «توارد» دانست؟ همچنین در سراسر این کتاب به منابع دیگر ارجاع داده نشده است و تنها در انتهای کتاب هجده منبع فارسی و ده منبع انگلیسی ثبت شده است که معلوم نیست از آنها چگونه در نگارش کتاب بهره‌گیری شده است.

### ۳-۴. آشنفتگی ساختاری

فارغ از مسائل محتوایی، انتظار می‌رود هر کتابی که در باب روش تحقیق نوشته می‌شود، خود نمونه‌ای از پژوهش و نگارش نظام مند و نماد دقت باشد. به این معنا که کل کتاب تابع ساختاری منظم باشد و آغاز و فرجام هر بحث معین باشد. تقسیم‌بندی فصول تابع نظم قابل دفاع باشد و ارجاعات دقیق و کتاب‌نامه مرتبط، معتبر و روزآمد داشته باشد. در نتیجه، هر کس با چنین کتابی سروکار داشته باشد، به مرور متوجه اهمیت نظم و ساختار در پژوهش می‌شود. با این حال، برخی از این کتاب‌ها چنین نیازی را برآورده نمی‌کنند و گویی نویسنده نیازی ندیده است که خود بدان چه تعلیم می‌دهد، باور داشته باشد یا عمل کند. این بی‌توجهی گاه در قالب فصل‌بندی نامناسب، گاه به شکل برف‌انبار کردن اطلاعات و زمانی به صورت استطرادات و استحسانات بی‌دلیل خود را نشان می‌دهد.

کتاب روش تحقیق بارویکردی برپایان‌نامه نویسی<sup>۵۴</sup> نمونه درخشانی از فصل‌بندی نامناسب است. در حالی که فصل اول این کتاب حدود ۱۶۰ صفحه است (ص ۳-۱۶۲)، فصل دوم آن یازده صفحه (ص ۱۶۵-۱۷۶) و فصل سوم آن با عنوان «آشنایی با قلمرو مکانی تحقیق»، تنها نیم صفحه است (ص ۱۷۹). همچنین در این کتاب شاهد مباحثی چون: «چگونه سخنران جذاب و بانفوذی باشیم» یا «چگونگی مواجهه با اخلال‌گران در سخنرانی» هستیم که مشخص نیست ارتباط آن با روش تحقیق به معنای خاص کلمه چیست. سرانجام آنکه در سراسر این کتاب، شاهد نقل قول‌های بجا و نابجا و پررنگ شده هستیم که به کتاب بیشتر حالت تبلیغاتی می‌دهد تا آموزشی.

نمونه کامل بی‌سامانی در کتاب‌های روش تحقیق را می‌توان در کتاب روش تحقیق و مأخذشناسی<sup>۵۵</sup> دید. در این کتاب جنگ‌وار شاهد

۵۳. حیدر علی هومن؛ تهران: کتاب پارسا، ۱۳۷۴.

۵۴. غلامرضا خاکی؛ تهران: بازتاب، ۱۳۸۶.

۵۵. احمد زنجیر؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.

۵۶. ابوالقاسم طاهری؛ تهران: نشر قومس، ۱۳۸۲.



کتاب‌های مقدماتی چون منطق به زبان ساده<sup>۶۶</sup> و عرفان کیهانی<sup>۶۷</sup>، با دقت در انتخاب منابع که لازمه تحقیق است سازگاری ندارد.

سرانجام آنکه در کتاب روش‌های کاربردی پژوهش در روان‌شناسی بالینی و مشاوره<sup>۶۸</sup> شاهد بی‌دقتی در نقل قول و انتساب هستیم. در آغاز هر فصل این کتاب جمله معروفی از یکی از مشاهیر آمده است که هیچ یک منبع ندارد و برخی از آنها غلط است؛ برای مثال از مارکس این‌گونه نقل می‌شود: «اشکال فلاسفه قبلی این بود که تلاش داشتند جهان را توصیف کنند، من برعکس می‌خواهم آن را تغییر دهم».<sup>۶۹</sup> حال آنکه مارکس چنین حرفی نکرده است. در واقع این جمله، شکل دگرگون شده تزیازدهم از تزه‌های یازده‌گانه درباره فوترباخ و به این صورت است: «فیلسوفان تنها جهان را به شیوه‌های گوناگون تعبیر کرده‌اند؛ ولی مقصود تغییر دادن آن است».<sup>۷۰</sup> این جنس کتاب‌ها که در پی تعلیم استناد درست و نقل قول دقیق هستند، باید خود بدان چه می‌گویند التزام عملی نیز داشته باشند.

### ۳-۵. عنوان‌های فریبنده

شماری از کتاب‌های روش تحقیق عنوان مناسبی ندارند. این عدم تناسب گاه ناظر به محتوا و عنوان است و گاه تفاوت عنوان روی جلد، در صفحه عنوان و صفحه حقوق است و گاه به نوعی به دلیل توفعی که در خواننده ایجاد می‌کنند و برآورده نمی‌سازد، همراه‌کننده است؛ برای مثال، راهنمای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، دکترای ارزیابی طرح‌های پژوهشی<sup>۷۱</sup> برخلاف نام بلند و غلط‌انداز خود، اصولاً راهنمای این کارها نیست، بلکه جزوه‌ای رقی است در ۲۹ صفحه و درباره طرز تهیه پرسشنامه، روایی محتوایی آن، عینیت پرسشنامه، نمره‌گذاری پرسشنامه و اجرای پرسشنامه است.

همچنین کتاب صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق<sup>۷۲</sup> را به سختی می‌توان کتابی در روش تحقیق یا حتی مقالاتی در روش تحقیق دانست. این مجموعه در واقع در بردارنده صد «نکته» متفرق و متنوع و البته گاه قابل توجه در علم حقوق است و نویسنده به مناسبت نقد کتاب‌های تفسیری این عرصه، نکاتی خوب در فهم مسائل این علم و شیوه تتبع در آن طرح کرده است. با این حال، بر این کتاب منطق خاصی حاکم نیست و مقصود از صد «مقاله»، صد نکته است که گاه کم‌تر از یک

کلیسا محکوم شد. نظریه او دایر بر اینکه زمین مرکز منظومه شمسی نیست بلکه خورشید مرکز آن است».<sup>۷۳</sup> اولاً این دو جمله در عین داشتن نقطه پایان جمله ناقص هستند. ثانیاً کوپرنیک از سوی کلیسا محکوم نشد، بلکه این گالیلله بود که محکوم شد و کتاب کوپرنیک تنها بعد از ماجرای گالیلله، آن هم فقط به مدت کوتاهی جزء آثار ممنوع اعلام شد. به هر صورت این کتاب فاقد انسجام و عمدتاً برگرفته از منابع دیگر است و همه منابع آن فارسی است و نویسنده از هیچ منبع انگلیسی که لازمه چنین عرصه‌ای است، استفاده نکرده است.

کتاب روش تحقیق در حقوق: اصول تنظیم و روش نگارش رساله، پایان‌نامه، گزارش و کار تحقیقی،<sup>۷۴</sup> برخلاف عنوان طولانی‌اش، اثری رقی است در ۱۶۷ صفحه که مباحث مختلف و پراکنده‌ای در خود گنجانده است و بر آن منطق مشخصی حاکم نیست تا جایی که دو صفحه آن به بحث «ترجمه»، شرایط و انواع آن اختصاص یافته است.<sup>۷۵</sup> همچنین در سیزده صفحه «شیوه املانویسی»<sup>۷۶</sup> تعلیم داده شده و در کنار آن منابع معروف حقوقی معرفی شده است.

کتاب روش تحقیق و مأخذشناسی در علوم اجتماعی<sup>۷۷</sup> به‌گونه‌ای فراهم آمده است که دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از کارشناسی تا دکترا و حتی پژوهشگران مستقل و محققین مسائل اجتماعی بتوانند از آن استفاده کنند؛<sup>۷۸</sup> اما کتاب فاقد ساختار منسجمی است. مباحث با تکلف کنار هم چیده شده است و از آنجا که نویسندگان خواسته‌اند درباره عمده مسائل پژوهش بحث کنند، عملاً جایی برای بحث‌های روشن و منسجم باقی نمانده است. همچنین شکل صوری کتاب و ترتیب مباحث جای چند و چون دارد؛ برای مثال، پس از پیشگفتار و آمدن نام نویسندگان، سه صفحه درباره «تحقیق چیست و محقق کیست؟»<sup>۷۹</sup> بحث می‌شود و در پی آن فهرست مطالب می‌آید. باز در فهرست مطالب پیوست شماره ۸ این‌گونه معرفی شده است: «کالای قاچاق و قاچاقچی با نگرش فرهنگی و اقتصادی»؛<sup>۸۰</sup> اما در انتهای کتاب پیوست شماره ۸ مقاله‌ای است با عنوان: «آسیای میانه: گمانه‌هایی برای برپایی یک رژیم نظام اقتصادی».<sup>۸۱</sup> نگاهی به منابع فارسی کتاب نیز گویای آن است که نویسندگان به اعتبار یا ارتباط منابع کتاب خود چندان توجهی ندارند؛ برای مثال، آمدن

۶۶. همان، ص ۲۶۶.

۶۷. همان، ص ۲۶۷.

۶۸. حمید رضا عربی و حجت الله فراهانی؛ تهران: دانژه، ۱۳۸۷.

۶۹. همان، ص ۱۲۳.

۷۰. کارل مارکس، فردریش انگلس و گئورگی پلخانف، گئورگی؛ لودویگ فوترباخ و ایدنولوی آلمانی؛ ترجمه پرویز بابایی؛ تهران: چشمه، ۱۳۷۹، ص ۸۳.

۷۱. حسن خلجی؛ تهران: پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.

۷۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.

۷۳. همان، ص ۴۷.

۷۴. ونوس قوه‌باغی؛ تهران: مجد، ۱۳۸۷.

۷۵. همان، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۷۶. همان، ص ۱۳۷-۱۳۹.

۷۷. ناصر فرشادگهر و محمد حسن شهیدی؛ تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۵.

۷۸. همان، مقدمه، ص یازده.

۷۹. همان، ص دوازده-چهارده.

۸۰. همان، ص بیست.

۸۱. همان، ص ۲۳۵.

اختصاص پیدا می‌کند. در نتیجه انتظار می‌رود که این کتاب‌ها خود از کتاب‌نامه مناسبی برخوردار باشند؛ اما نگاهی به پایان برخی از این کتاب‌ها خواننده را شگفت زده می‌کند. برخی از این آثار صرفاً به استناد منابعی در حد انگشتان دست نوشته شده است. برخی عمدتاً بر منابع کهنه و از رده خارج شده استوار است و برخی اصولاً هیچ کتابنامه‌ای ندارند و گویی همه آن‌چه در این کتاب‌ها آمده، یا محصول اندیشه شخصی نویسندگان آنها است یا جزء دانش عمومی عرصه پژوهش به شمار می‌رود که نیازی به ارجاع ندارد؛ برای مثال، در کتاب‌نامه کتاب‌های رویکرد روش تحقیق در علوم انسانی<sup>۷۸</sup> و روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی<sup>۷۹</sup> که هر دو نوشته یک تن هستند و همه مباحث آنها، جز نام‌های این دو کتاب یکی است، تنها ده عنوان فارسی و شش عنوان انگلیسی به چشم می‌خورد و با آنکه کتاب دوم، شش سال بعد از کتاب نخست منتشر شده است، گویی این گذر زمان نیازی برای بازبینی منابع یا فریه‌سازی آنها پدید نیاورده است. همچنین «منابع و مأخذ» کتاب آشنایی با اصول و روش تحقیق به انضمام چگونگی تهیه گزارش<sup>۸۰</sup> منحصر به هفت منبع فارسی است که تنها شامل نام آنها و نویسندگانشان می‌شود و فاقد مشخصات نشر است. در سراسر کتاب نیز هیچ ارجاعی به این منابع دیده نمی‌شود.

برخی از کتاب‌های روش تحقیق به منابعی استناد کرده‌اند که متعلق به دو یا سه دهه قبل است، بی‌آنکه این منابع اعتبار خاصی داشته باشند؛ برای مثال، کتاب روش تحقیق و مرجع‌شناسی در حالی که در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است، همه منابع ذکر شده در کتاب‌نامه به دهه پنجاه تعلق دارد و تازه‌ترین منبع آن در سال ۱۳۵۸ منتشر شده است.<sup>۸۱</sup>

برخی از این کتاب‌ها بدون کتاب‌نامه منتشر شده‌اند؛ مانند کتاب روش تحقیق<sup>۸۲</sup> آنچه هر پژوهشگر در رشته‌های فنی و مهندسی باید بداند<sup>۸۳</sup>، روش تحقیق و مأخذشناسی<sup>۸۴</sup>، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق<sup>۸۵</sup> و اصول و روش تحقیق در محیط زیست<sup>۸۶</sup>.

کتاب روش تحقیق و تألیف<sup>۸۷</sup> افزون بر آشفتگی و گراف‌گویی، فاقد کتابنامه و هرگونه منبعی است. نویسنده آن که خود را دارای «فوق لیسانس الهیات و معارف اسلامی» می‌داند، به خود اجازه داده است تا وارد این عرصه شود و چیزی را به دیگران تعلیم دهد که خود فاقد

صفحه است؛ مانند «کدام یک از دو نظام محتاج دیگری است؟»<sup>۷۳</sup> و گاه دو سه صفحه است؛ مانند «خلاف قاعده»<sup>۷۴</sup>. مؤلف این کتاب نکات مختلفی در عرصه نظام حقوقی ایران و اسلام و تفاوت‌ها و احياناً برتری‌هایی را که بر نظام حقوق رومی دارد، در صفحات مختلف این کتاب بیان کرده است. افزون بر آن، این کتاب سامان علمی و حتی کتاب‌نامه ندارد.

کتاب راهنمای نگارش و تدوین پایان‌نامه و راهنمای سایت‌های اینترنتی: ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (دکتر، کارشناسی ارشد و کارشناسی)<sup>۷۵</sup> همان طور که از نامش پیداست، طیف گسترده‌ای را مخاطب قرار داده است و در

نتیجه نیازهای هیچ را یک برآورده نساخته است. بخش اول که ۶۲ صفحه است و اختصاص به نگارش پایان‌نامه و مقاله دارد، جز کلی‌گویی، مطلبی جدی و هدایتگر ندارد. صد صفحه بخش دوم و عمده این کتاب، فقط سایت‌های مختلف را معرفی کرده است و معلوم نیست که چگونه می‌توان بر

این مجموعه عنوان کتاب روش تحقیق نهاد.

بر جلد کتاب روش تحقیق و مرجع‌شناسی<sup>۷۶</sup> تعبیر «مرجع‌شناسی» گنجانده شده است؛ حال آنکه در کل کتاب هیچ بحثی از آن نشده است. سرانجام آنکه کتاب جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت: روش تحقیق در زمینه جرائم و مفاسد اجتماعی تحقیق عملی در جرم سرقت<sup>۷۷</sup> بیش از آنکه کتاب روش تحقیق در این عرصه باشد، خود اجرای یک تحقیق به شمار می‌رود.

### ۳-۶. کاستی‌های کتاب‌نامه

یکی از ویژگی‌های صوری هر پژوهشی، خواه کتاب و خواه مقاله، منتشر شده و منتشر نشده، داشتن کتاب‌نامه است. وجود کتاب‌نامه واقع‌نما، گویای میزان قوت هراترو بیان‌کننده مصالح آن پژوهش است. امروزه آثاری که بدون کتاب‌نامه منتشر می‌شود، بیشتر به آثار تخیلی و ادبی شباهت پیدا می‌کند تا آثار علمی. این نکته‌ای است که هم استادان روش تحقیق بر آن تأکید می‌کنند و هم در کتاب‌های روش تحقیق بدان توجه می‌شود و بخشی از آنها به شیوه تنظیم کتاب‌نامه

۷۳. همان، ص ۱۰.

۷۴. همان، ص ۲۰-۲۲.

۷۵. حمیدرضا گشایشی؛ مشهد: انتشارات نما و جهان فردا، ۱۳۸۶.

۷۶. مرتضی منشادی؛ بندرعباس: دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.

۷۷. علی اصغر قربان حسینی؛ مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۷۸. سیاوش خلیلی شورینی؛ یادواره کتاب، [بی‌جا]، ۱۳۷۵.

۷۹. سیاوش خلیلی شورینی؛ تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۱.

۸۰. غلامحسین ریاحی؛ تهران: اشراقیه، ۱۳۸۹.

۸۱. مرتضی منشادی؛ بندرعباس: دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.

۸۲. محمدمهدی بهداروند؛ قم: ناشر مؤلف، ۱۳۸۲.

۸۳. امیرمسعود سوداگر؛ تهران: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۰.

۸۴. احمد زنجیر؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.

۸۵. محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.

۸۶. منصور ابراهیمی؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۷.

۸۷. حسن فلاح بابلی؛ قم: ناشر مؤلف، ۱۳۷۱، ۴۶ صفحه.

همان بیماری گسستن از سنت علمی و نوشتن در جزایر پراکنده است که از آسیب‌های جدی عرصه تحقیق در کشور ما به شمار می‌رود. حال آنکه هر پژوهشگر و نویسنده‌ای وامدار کارهای دیگران است و باید این وام را با استناد به آنها و ارجاع به کارشان ادا کند. حتی در جایی که به فرض آثار دیگر ضعیف و اعتمادناپذیر هستند، لازم است به این نقصیه اشاره و دلیل یا دلایل آن بازگفته شود.<sup>۹۲</sup>

#### ۴. سخن آخر

از میان حدود هفتاد کتاب روش تحقیق به زبان فارسی که در این پژوهش بررسی شده‌اند، تنها آثار اندکی از آزمون سلامت، علمیت، دقت و اخلاق سرفراز بیرون می‌آیند. حال آنکه عمده آنها آسیب‌زده‌اند. این آسیب‌ها گسترده است. از رونویسی از کار دیگران تا نشر یک اثر با دو عنوان؛ اما مهم‌ترین آفات این کتاب‌ها آن است که ۱. غالباً ساختاری آشفته و محتوایی تنک دارند؛ ۲. به بحث اخلاق پژوهش که لازمه هر پژوهشی است، نپرداخته‌اند یا کم پرداخته‌اند؛ ۳. برخی از آنها به جای آنکه نوشته‌هایی روشمند باشند که اطلاعات منسجم و مرتبط ارائه کنند، برف انباری از اطلاعات پراکنده به شمار می‌روند؛ ۴. در برخی از این آثار شاهد رونویسی و سرقت آثار دیگران هستیم؛ ۵. برخی فاقد کتاب‌نامه هستند یا کتاب‌نامه ناقصی دارند؛ ۶. در برخی از آنها هیچ استنادی به آثار دیگران نشده است؛ ۷. برخی نیز به دست کسانی نوشته شده است که خود نه تجربه پژوهشی دارند و نه با سرشت پژوهش آشنایی دارند و نه این راه را پیموده‌اند. در مجموع، این آثار ابراهیم تهی و خشکی هستند که نمی‌توان از آنها انتظار باران‌زایی در عرصه پژوهش و زاینده‌گی در عرصه تحقیق را داشت.

آن است. همچنین راهنمای تحقیق پایانی<sup>۸۸</sup> در ۸۸ صفحه رفعی، فهرست وار کلیات تحقیق را بیان می‌کند. در این نوشته شاهد بحث‌های مختلفی هستیم، از شیوه نگارش تا اقسام و برایش و اندازه‌های مختلف کاغذ و حتی نحوه برگزاری جلسه دفاع از رساله. با این همه این نوشته فاقد کتاب‌نامه و هرگونه ارجاعی است. این نوشته جنگ‌وار، خود نمونه‌ای است از نقض اخلاق پژوهش؛ زیرا سرفصل‌ها و مباحث آن برگرفته از منابع دیگر است، بی‌آنکه به این وامداری اشارتی رفته باشد.

اهمیت کتاب‌نامه در کتاب‌های روش تحقیق، هنگامی آشکارتر می‌شود که نگاهی به این نوع کتاب‌ها که به زبان انگلیسی منتشر شده است بیندازیم؛ برای مثال، آلن بریمن، نویسنده روش‌های تحقیق اجتماعی، ۲۵ صفحه دو ستونی را به معرفی دقیق کتاب‌نامه اختصاص داده و در آن مشخصات کتاب‌شناختی ۸۵۰ منبع را آورده است.<sup>۸۹</sup>

#### ۷-۳. بی‌توجهی به ادبیات تحقیق

یکی از آفات برخی از کتاب‌های روش تحقیق که به زبان فارسی منتشر می‌شود، آن است که گویی نویسنده یا نویسندگان خبری از دیگر آثار منتشر شده در این عرصه ندارند یا آنها را به رسمیت نمی‌شناسند. در نتیجه، یا از کنار این مکتوبات به سادگی می‌گذرند و آنها را نادیده می‌گیرند یا با افتخار و قاطعیت اعلام می‌کنند که چون در این زمینه اثری به زبان فارسی وجود نداشت، از آوردن منابع فارسی خودداری کرده‌اند؛ برای مثال، مجید صدوقی در کتاب پژوهش کیفی در روان‌شناسی و علوم رفتاری،<sup>۹۰</sup> مدعی می‌شود که کتابش در این عرصه منحصر به فرد است و در نتیجه به هیچ یک از منابع فارسی استناد نمی‌کند و در کتاب‌نامه خود هیچ منبع فارسی را ثبت نمی‌کند؛ حال آنکه این ادعا قابل مناقشه است و می‌توان به سادگی آثار دیگری در این عرصه به زبان فارسی نشان داد. نویسنده در این کتاب فصلی را به اخلاق پژوهش اختصاص داده است و در آن احادیثی نقل کرده؛ اما هیچ یک را مستند نکرده است.<sup>۹۱</sup> با این حال در این بخش نیز شاهد هیچ منبع فارسی یا عربی نیستیم.

در حالی که ادبیات تحقیق و نگارش در عرصه آیین پژوهش به زبان فارسی شش دهه سابقه دارد، بی‌توجهی به آنها توجیه عالمانه و اخلاقی ندارد. هر چند عمده آثار موجود قابل نقد هستند، در عین حال نباید آن آثار اندک‌شمار و در عین حال ارزنده موجود را نادیده گرفت، هر چند قدمت زیادی دارند؛ مانند آیین پژوهش امیرحسین آریان‌پور. این

۸۸. محمد سلطان محمدی؛ قم: مرکز نشرهاجر، ۱۳۸۳.

89. Alan Bryman, Social research methods, third edition, Oxford University Press, Oxford, 2009, p. 701-725.

۹۰. تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۶.

۹۱. همان، ص ۲۲۱-۲۴۲.

۹۲. سیدحسین اسلامی؛ نوشتن در جزایر پراکنده: جستارهایی در اخلاق پژوهش؛ قم: انجمن قلم

و نور مطاف، ۱۳۹۱.

## کتاب‌نامه

۱. اسلامی، سید حسن؛ «منزلت اخلاق پژوهش در کتاب‌های روش تحقیق به زبان فارسی: بررسی انتقادی»؛ روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۰.
  ۲. اسلامی، سید حسن؛ نوشتن در جزایر پراکنده: جستارهایی در اخلاق پژوهش؛ قم: انجمن قلم و نور مطاف، ۱۳۹۱.
  ۳. اصغریور، داود؛ «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم انسانی»؛ فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۵.
  ۴. امانی، غفور؛ مرجع‌شناسی ادبیات و روش تحقیق؛ اردبیل: شیخ صفی‌الدین، ۱۳۸۱.
  ۵. ایران‌نژاد پاریزی، مهدی؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، و سایر رشته‌های ذیربط؛ تهران: مدیران، ۱۳۸۲.
  ۶. ایرانی، یوسف و ابوالفضل بختیاری؛ روش تحقیق عملی (اقدام پژوهی)؛ تهران: لوح زرین، ۱۳۸۲.
  ۷. ایمان، محمدتقی؛ مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
  ۸. بلیکی، نورمن؛ پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی؛ ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات سید حمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سیدمسعود ماجدی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
  ۹. بهداروند، محمد مهدی؛ روش تحقیق؛ قم: ناشر مؤلف، ۱۳۸۲.
  ۱۰. پریخ، مهری و رحمت‌الله فتاحی؛ راهنمای مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش؛ تهران: کتابدار، ۱۳۸۴.
  ۱۱. ثاقبی، حسین؛ روش مطالعه و تحقیق ویژه دانش‌آموزان و راهنمایی برای پژوهشگران جوان؛ تهران: نشر قو، ۱۳۸۱.
  ۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.
  ۱۳. خاکی، غلامرضا؛ روش تحقیق با رویکردی بر پایان‌نامه نویسی؛ ویرایش ۲، تهران: بازتاب، ۱۳۸۶.
  ۱۴. خلجی، حسن؛ راهنمای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، دکترای و ارزیابی طرح‌های پژوهشی؛ تهران: پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۱۳۸۷.
  ۱۵. خلیلی شورینی، سیاوش؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی؛ تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۱.
  ۱۶. خلیلی شورینی، سیاوش؛ روش‌های تحقیق در علوم انسانی؛ یادواره کتاب، [بی‌جا]، ۱۳۷۵.
  ۱۷. دامادی، سیدمحمد؛ فرهنگ تحقیق؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، ۱۳۸۲.
  ۱۸. دلاور، علی؛ مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ ویرایش دوم، تهران: رشد، ۱۳۸۵.
  ۱۹. رنجبر، احمد؛ روش تحقیق و مأخذشناسی؛ ویراست دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.
  ۲۰. رونق، محمد علی؛ «کتاب‌شناسی روش تحقیق»؛ نشر دانش، سال پنجم، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۴.
  ۲۱. ریاحی، غلامحسین؛ آشنایی با اصول و روش تحقیق به انضمام چگونگی تهیه گزارش؛ تهران: اشراقیه، ۱۳۸۹.
  ۲۲. سلطان محمدی، محمد؛ راهنمای تحقیق پایانی؛ قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۳.
  ۲۳. سنجر، احمدرضا؛ روش‌های تحقیق در مدیریت؛ تهران: عابد، ۱۳۸۸.
  ۲۴. سوداگر، امیرمسعود؛ آنچه هر پژوهشگر در رشته‌های فنی و مهندسی باید
- بداند؛ تهران: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۰.
  ۲۵. طاهری، ابوالقاسم؛ روش تحقیق در علوم سیاسی؛ تهران: نشر قومس، ۱۳۸۲.
  ۲۶. عربی، حمیدرضا و حجت‌الله فراهانی؛ روش‌های کاربردی پژوهش در روان‌شناسی بالینی و مشاوره؛ تهران: دانژه، ۱۳۸۷.
  ۲۷. فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس؛ روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی؛ تهران: سروش، ۱۳۸۱.
  ۲۸. فرشادگهر، ناصر و محمدحسن شهیدی؛ روش تحقیق و مأخذشناسی در علوم اجتماعی؛ ویراست سوم، تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۵.
  ۲۹. فلاح بابلی، حسن؛ روش تحقیق و تألیف؛ قم: ناشر مؤلف، ۱۳۷۱.
  ۳۰. قائمی، علی؛ روش تحقیق با تأکید بر مکتب‌شناسی؛ ویراست دوم، تهران: امیری، ۱۳۷۲.
  ۳۱. قربان حسینی، علی اصغر؛ جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت؛ روش تحقیق در زمینه جرائم و مفاسد اجتماعی تحقیق عملی در جرم سرقت؛ مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۱.
  ۳۲. کارل مارکس، فردریش انگلس و گئورگی پلخانف؛ گئورگی، لودویگ فون براخ و ایدنولوزی آلمانی؛ ترجمه پرویز بابایی؛ تهران: چشمه، ۱۳۷۹.
  ۳۳. گشایشی، حمیدرضا؛ راهنمای نگارش و تدوین پایان‌نامه و راهنمای سایت‌های اینترنتی؛ ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (دکتر، کارشناسی ارشد و کارشناسی)؛ مشهد: انتشارات نما و جهان فردا، ۱۳۸۶.
  ۳۴. لطف‌آبادی، حسین، «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات پژوهشی در ایران»؛ حوزه و دانشگاه، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۶.
  ۳۵. لطف‌آبادی، حسین، وحیده نوروزی و نرگس حسینی؛ «بررسی آموزش روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی در ایران»؛ نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۶.
  ۳۶. مجدی، زهرا؛ کتاب‌شناسی توصیفی روش پژوهش؛ با همکاری و راهنمایی رحمت‌الله فتاحی، تهران: کتابدار، ۱۳۸۶.
  ۳۷. مسعودی، امیدعلی؛ «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های علوم ارتباطات در ایران»؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۵۷، آذر ۱۳۹۱.
  ۳۸. منشادی، مرتضی؛ روش تحقیق و مرجع‌شناسی؛ بندر عباس: دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.
  ۳۹. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی؛ «تحلیلی جامعه‌شناختی از علت تداوم رویکرد پوزیتیویستی به علوم انسانی در ایران و عدم شکل‌گیری علم دینی و بومی با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی ساخت و عامل»؛ فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
  ۴۰. نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی؛ روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)؛ ویرایش پنجم، تهران: آرسباران، ۱۳۸۸.
  ۴۱. نبوی، بهروز؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ تهران: کتابخانه فروردین، ۱۳۸۴.
  ۴۲. هومن، حیدر علی؛ شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)؛ تهران: پارسا، ۱۳۷۴.
  ۴۳. یاحقی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح؛ راهنمای نگارش و ویرایش؛ ویراست دوم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
44. Bryman, Alan, Social research methods, third edition, Oxford University Press, Oxford, 2009.
45. Pickard, Alison Jane, Research Methods in Information, Facet Publishing, London, 2007